



تأثیر ساختار نومحافظه‌کاری بر مسلمانان آمریکا و اسلام‌هراسی

محسن اسلامی* | محمد داوند** | محمد کریمیوری***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

چکیده

اغلب مسلمانان در ایالات متحده آمریکا از تبعیض و بی‌عدالتی جامعه و نظام سیاسی این کشور رنج برده و آن را ناشی از پدیده اسلام‌هراسی تلقی می‌کنند. اسلام‌هراسی علیه مسلمانان در ایالات متحده آمریکا یک پدیده ساختاری و مبتنی بر آموزه‌های ایدئولوژیک و نهادینه است. در این مقاله کوشش خواهیم نمود به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که ساختارها و نهادهای اسلام‌ستیز در ایالات متحده چگونه تحت تأثیر اندیشه نومحافظه‌کاری قرار گرفته‌اند؟ و مثنی فکری اسلام‌هراسی چگونه به گسترش اسلام‌هراسی در این کشور دامن می‌زند؟ و این بینش اسلام‌ستیز در سطح نظام سیاسی آمریکا چه پیامدهایی علیه مسلمانان آمریکا در پی دارد؟ پس از تجزیه و تحلیل شرایط مسلمانان در آمریکا بر این باور هستیم که اصلی‌ترین آموزه فکری تبعیض علیه مسلمانان و دیگر اقلیت‌ها در ایالات متحده، نظام فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نومحافظه‌کاری است. اصلی‌ترین ثمره این نظام تولید نابرابری است؛ بنابراین، در چارچوب این نظام، برابری مسلمانان با نخبگان سیاسی و صاحبان سرمایه امری دشوار است و کارکرد اصلی سیستم سیاسی حفظ این نابرابری است. برای همین نهادها و ساختارهای سرمایه‌سالار اسلام‌ستیز با اعطای بودجه به سیستم سیاسی اسلام‌هراسی را گسترش داده که از مهم‌ترین پیامدهای آن ایجاد تنگنا در زیست اجتماعی، حقوقی و مذهبی مسلمانان در آمریکا است. چارچوب نظری این مقاله بر مبنای اندیشه نومحافظه‌کاری طراحی شده است و روش تحقیق نیز دارای رویکرد توصیفی و از نوع تحلیلی-کمی می‌باشد و روش گردآوری داده‌ها نیز بر مبنای کتابخانه‌ای و منابع معتبر اینترنتی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مسلمان؛ ایالات متحده آمریکا؛ اسلام‌هراسی؛ نومحافظه‌کاری؛ نابرابری.

* نویسنده مسئول: دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران M.eslami@modares.ac.ir

** استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران Davand@iauc.ac.ir

*** دانشجوی دکتری علوم سیاسی (اندیشه سیاسی)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

Mohammadkaram007@gmail.com

مقدمه

ایالات متحده آمریکا از جمله کشورهایی است که علی‌رغم مدعی بودن در زمینه رعایت اصول دموکراسی، همواره مورد اتهام سازمان‌های غیردولتی و کشورهای تجدیدنظرطلب نظام بین‌الملل در زمینه عدم احقاق حقوق اقلیت‌ها نظیر مسلمانان بوده است. وضعیت ناخوشایند مسلمانان در ایالات متحده آمریکا زمانی بغرنج‌تر می‌شود که اسلام‌هراسی در سطح سیستم سیاسی این کشور دارای ریشه‌های قوی و تاریخی است. اسلام‌هراسی در این کشور بیش از هر چیز توسط نومحافظه‌کاران، بعد از یازده سپتامبر به صورت افراطی ترویج شده است، طوری که امروزه در آمریکا می‌توان از صنعت اسلام‌هراسی^۱ نام برد که توسط انواع نهادها، سازمان‌ها و رسانه‌ها در آمریکا تبلیغ می‌شود. صنعت اسلام‌هراسی توسط نومحافظه‌کاران، در سازمان‌ها و نهادها و جامعه آمریکا نهادینه شده و گسترش یافته است.

نومحافظه‌کاران که در دولت‌های جمهوری خواه نفوذ دارند حداقل در یازده ایالت، رهبران جریان اصلی جمهوری خواه قوانین ضد مسلمانان را معرفی یا از آن حمایت کردند. در طول مبارزات انتخاباتی ۲۰۱۶ ایالات متحده، لفاظی‌های اسلام‌هراسی، شکل پذیرفته شده‌ای از تعصب بود که برای گسترش ترس و جلب آرا مورد استفاده قرار می‌گرفت. تعصب ضد مسلمانان در ایالات متحده از شبکه قابل توجهی از بودجه استفاده می‌کند (عبدالهادی^۲، ۲۰۱۸: ۵). مرکز پیشرفت آمریکا^۳ گزارش می‌دهد که تعداد زیادی از سیاستمداران جمهوری خواه در تمام سطوح حکومتی وجود دارند که گفتمان ضداسلامی را که توسط ائتلاف گسترده بازیگران ضداسلامی در شبکه اسلام‌هراسی تبلیغ می‌شود پذیرفته‌اند. با این حال، شگفت‌انگیزترین نمونه از موفقیت نیروهای ضداسلامی آمریکا در انتخاب حزب جمهوری خواه به عنوان یک پلتفرم نهادی برای ترویج لفاظی‌ها و احساسات ضداسلامی، رسیدن دونالد ترامپ به ریاست جمهوری است. ترامپ چیزی شبیه به چهره راست افراطی در آمریکا بوده است. انتخابات ریاست جمهوری تا حدی از طریق حمایت از رسانه‌های خبری جناح راست افراطی مانند «بریتبارت»^۴ تحت تأثیر بوده است (مارینوف و استاکرمر، ۲۰۲۰: ۱۷-۱۸).

در چنین فضایی مسلمانان از اعمال انواع تبعیض‌ها علیه خود ناراضی هستند و در جامعه متکثر آمریکا به شیوه هنرمندانه‌ای به حاشیه رانده شده‌اند؛ بنابراین مسئله مهمی که با آن روبه‌رو هستیم این است که نهادها، شبکه‌ها و به‌طور کلی صنعت اسلام‌هراسی بعد از یازده سپتامبر و هم‌زمان با روی کار آمدن نومحافظه‌کاران

1. Islamophobia industry
 2. Abdulhadi
 3. Center for American Progress
 4. Breitbart

رشد و گسترش بیشتری یافته و در این مقاله بر آنیم تا تأثیر ساختاری و ایدئولوژیک نومحافظه‌کاران در شکل‌گیری صنعت اسلام‌هراسی را در ایالات متحده بررسی کنیم.

لذا در این مقاله کوشش خواهیم نمود به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که ساختارها و نهادهای اسلام‌ستیز در ایالات متحده چگونه تحت تأثیر اندیشه نومحافظه‌کاری قرار گرفته‌اند؟ اسلام‌ستیزی رایج در ایالات متحده از چه آبخورهایی فکری و ایدئولوژیک بهره می‌برد؟ و مشی فکری اسلام‌هراسی چگونه به گسترش اسلام‌هراسی در این کشور دامن می‌زند؟ پس از تجزیه و تحلیل شرایط مسلمانان در آمریکا بر این باور هستیم که اصلی‌ترین آموزه فکری تبعیض علیه مسلمانان و دیگر اقلیت‌ها در ایالات متحده، نظام فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نومحافظه‌کاری است. اصلی‌ترین ثمره این نظام تولید نابرابری است؛ بنابراین، در چارچوب این نظام، برابری مسلمانان با نخبگان سیاسی و صاحبان سرمایه امری دشوار است و کارکرد اصلی سیستم سیاسی حفظ این نابرابری است. برای همین نهادها و ساختارهای سرمایه‌سالار اسلام‌ستیز با اعطای بودجه به سیستم سیاسی اسلام‌هراسی را گسترش داده که از مهم‌ترین پیامدهای آن ایجاد تنگنا در زیست اجتماعی، حقوقی و مذهبی مسلمانان در آمریکا است.

پیشینه پژوهش

گفتنی است که ادبیات دانشگاهی در مورد اسلام‌هراسی رو به گسترش است، اما با این حال هنوز نسبتاً جوان است و بیشتر آن بر پیامدهای آن متمرکز است؛ یعنی به تأثیرات نگرش‌های ضداسلام و ضدمسلمانان در حوزه عمومی و زندگی مسلمانان بیشتر توجه شده است (پرت و وودلاک، ۲۰۱۶: ۲). ولی در سال‌های اخیر راهکارهای برای مقابله با اسلام‌هراسی توسط مراکز حقوق بشری ارائه شده است که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. در اینجا به چند نمونه از آثار شاخص و مهم در این زمینه اشاره می‌کنیم.

دهشیری (۱۳۹۲) در کتاب خود با عنوان «اسلام‌هراسی در غرب: جنگ سرد جدید فرهنگی علیه مسلمانان در آمریکا و انگلستان»، به تبیین بنیادها و نهادهای فعال در تشدید اسلام‌هراسی در آمریکا و بریتانیا پرداخته و سازوکارها، ابزار ارائه تصویر نادرست از اسلام آن‌ها بر افکار عمومی و نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی غرب را مورد بررسی قرار داده است.

آجیلی و قاسمی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «اتاق‌های فکر ایالات متحده و انگلستان در ترویج اسلام‌هراسی (تحلیل گفتمان)»، ابتدا به مفهوم و پیشینه راهبرد اسلام‌هراسی در غرب پرداخته و سپس نقش پنج اتاق فکر آمریکا و سه اتاق فکر انگلیس در تکوین این راهبرد مبتنی بر کتب و مقاله‌های منتشر شده و

موضع‌گیری مدیران و فعالان این اتاق‌ها را بیان کرده است. این مقاله با استفاده از روش تحلیل گفتمانی ارنست لاکلاو^۱ و شانتال موفه^۲ تحلیل شده است.

مرکز پیشرفت آمریکا در کتابی که در سال ۲۰۱۱ منتشر نموده به صورت دقیق به تحلیل نهادها، سازمان‌ها و افرادی پرداخته است که در رشد و گسترش صنعت اسلام‌هراسی در آمریکا تأثیرگذار هستند. این مرکز همچنین در گزارش‌های دقیق خود به بنیادها و نهادهایی پرداخته است که با تأمین بودجه و کمک‌های مالی به شبکه‌های اسلام‌هراسی در آمریکا نقش مهمی را داشته‌اند.

در سپتامبر ۲۰۱۷، مرکز کارتر^۳، یک سمپوزیوم بین‌المللی متشکل از دانشمندان، روزنامه‌نگاران، بازیگران جامعه مدنی و رهبران مذهبی را برای ایجاد یک واکنش استراتژیک و پایدار در برابر اسلام‌هراسی برگزار کرد و در کتاب خود با عنوان «مقابله با صنعت اسلام‌هراسی به سوی استراتژی مؤثرتر»، استراتژی‌ها و ابزارهایی را برای مبارزه با گسترش اسلام‌هراسی و ایجاد فرهنگ احترام به حقوق بشر جهانی توسط نویسندگان عمدتاً مسلمان ارائه کرده است. این کتاب در می سال ۲۰۱۸ به چاپ رسیده است.

مرکز روابط اسلامی-آمریکایی (cair) نیز گزارش‌ها و اخبار مرتبط با اسلام‌هراسی را در وبسایت خود منتشر می‌کند و این مرکز با گزارش‌ها و ارائه راهکارها سعی می‌کند که از اسلام‌هراسی و تبعیض علیه مسلمانان در آمریکا جلوگیری کند.

مبانی نظری و روش تحقیق

رویکرد نظری بر مبنای دیدگاه نومحافظه‌کاری طراحی شده است. نومحافظه‌کاری گونه‌ای از ایدئولوژی سیاسی محافظه‌کاری که ویژگی‌های محافظه‌کاری سنتی را با فردگرایی سیاسی و تأیید واجد شرایط بازار آزاد ترکیب می‌کند. نومحافظه‌کاری در دهه ۱۹۷۰ در ایالات متحده در میان روشنفکرانی که نسبت به کمونیسم و فرهنگ ضدفرهنگ دهه ۱۹۶۰ بیزار بودند، به‌ویژه رادیکالیسم سیاسی و دشمنی آن با اقتدار، عرف و سنت به وجود آمد (دایره المعارف بریتانیکا، ۲۰۱۶). می‌توان گفت ایدئولوژی نومحافظه‌کاری سه دوره اصلی داشته است: نخست، محافظه‌کاری لیبرال که در دوران اوج لیبرالیسم رفته‌رفته از اثرش بر مالکیت زمین و پدرسالاری سیاسی و اجتماعی کاست و اصول لیبرالیسم را پذیرفت. دوم، محافظه‌کاری پدرسالارانه که با پیدایش دولت‌های مداخله‌گرا و بروز بحران در اقتصاد بازاری، بار دیگر به اصول پدرسالاری پیشین بازگشت و از

1. Ernesto Laclau
2. Chantal Mouffe
3. Carter center

دولت فراگیر پشتیبانی کرد. سوم، نومحافظه‌کاری که به اصول اقتصاد آزاد بازگشته و در چارچوب لیبرالیسم آموزه‌ای به نام «راست‌نو» را پدید آورده است (موسی‌نژاد و حسین‌پور، ۱۳۸۷: ۴۰). نومحافظه‌کاران از روشنفکران عموماً یهودی و چپ‌گرا بودند که با اعتقاد به برتری تمدن غرب به‌خصوص نوع آمریکایی آن، اقتصاد بازار آزاد و لیبرال دموکراسی را ترویج کرده و با نخله‌ای از مسیحیت تحت عنوان راست مسیحی یا صهیونیست‌های انجیلی مرتبط هستند. ملت آمریکا از نظر این گروه یک ملت استثنایی است و دارای رسالت تاریخی می‌باشد. رسالت آمریکا رساندن خیر در جهان است (عباسی اشلقی، ۱۳۹۱: ۱۸۷).

در واقع در سیاست و حکومت کشورهای غربی در آخرین دهه‌های سده بیستم رگه‌هایی از لیبرالیسم و محافظه‌کاری با یکدیگر ترکیب شده و از آن پدیده راست‌نو به وجود آمده است. عنوان راست‌نو به‌ویژه درباره سیاست حزب محافظه‌کار انگلستان در دوران تاچر^۱ و حزب جمهوری‌خواه آمریکا در دوره ریگان^۲ به کار رفته است. به‌طور کلی راست‌نو، از نظر اخلاقی و فرهنگی و اجتماعی محافظه‌کار است و از حفظ نابرابری‌های طبیعی، جلوگیری از گسترش حقوق اجتماعی شهروندان، دولت نیرومند، اصول مذهبی، خانواده به‌منزله بنیاد جامعه و تضعیف اتحادیه‌های کارگری دفاع می‌کند. از لحاظ اجتماعی نیز با کار زنان خانه‌دار و آزادی‌های جنسی و جنبش فمینیسم مخالفت می‌ورزد (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۸۶).

راست‌نو، محافظه‌کار بیش از هر چیز می‌خواهد اقتدار را باز پس آورد و به ارزش‌های سنتی به‌ویژه آن‌هایی که با خانواده، دین و مذهب و ملت پیوند دارد بازگردد. اعتقاد بر این است که اقتدار با ایجاد انضباط و احترام، ضامن ثبات اجتماعی می‌شود و این در حالی است که ارزش‌ها و فرهنگ مشترک، همبستگی اجتماعی به وجود می‌آورد و زندگی متمدانه را ممکن می‌سازد؛ بنابراین، رواداری^۳، و «کار خود را کردن» که به نظر می‌رسد ارزش‌های دهه ۱۹۶۰ هستند، دشمنان نومحافظه‌کاری به حساب می‌آیند. جنبه دیگر نومحافظه‌کاری، نگرانی آن از دیدن ظهور جوامع چند فرهنگی و چند مذهبی است، چراکه این جوامع را مناقشه‌برانگیز و به‌طور ذاتی ناپایدار می‌دانند. این موضع با شکل محدود ناسیونالیسم نیز که نسبت به چندگانگی فرهنگی و تأثیر روزافزون مجموعه فراملی مانند سازمان ملل و اتحادیه اروپا بدین است پیوند دارد (هیوود، ۱۳۸۹: ۷۷). نومحافظه‌کاران اولیه با استفاده از پایه‌های اخلاقی آماده‌ای که دین فراهم می‌کرد، بدون اینکه لزوماً خود مذهبی باشند نومحافظه‌کاری را همراه با ایدئولوژی افلاطونی از طریق قرائت ارائه شده توسط لئو

1. Margaret Thatcher

2. Ronald Reagan

۱. Permissiveness. اجازه دادن به مردم که گزینش اخلاقی خاص خود را به عمل آورند، رواداری بدان معناست که هیچ‌گونه ارزش

اقتدار آمیزی وجود ندارد.

اشتراوس که اغلب از او به عنوان پدر ایدئولوژیک نومحافظه کاری یاد می‌شود، بنیان گذاشتند و از این طریق به دنبال تغییر جهت دادن به سیاست داخلی آمریکا بودند. استفاده از دین صرفاً به این دلیل بود که بسته اخلاقی یهودی-مسیحی مرز بایدها و نبایدها را مشخص می‌نمود یافتن اخلاق از طریق آرمان‌های سکولاریسمی منجر به ورشکستگی اخلاقی، جنایت و کم‌کاری می‌شود. به معنای واقعی افلاطونی، نومحافظه‌کاران دریافته بودند که چه چیزی برای آمریکا بهتر است و وظیفه خود می‌دانستند که مردم گمراه و بعداً جهان را از طریق کاربرد نومحافظه‌کارانه در سیاست خارجی، به عقل خود هدایت کنند (مکگلینچی، ۲۰۱۹: ۲)؛ بنابراین اندیشه نومحافظه کاری در پاسخ به چالش‌های مدرنیته در آمریکا گسترش یافت که بیش از هر چیز بازگشت به سنت‌های اصیل غربی و رویکردهای دینی-مذهبی در آمریکا از ویژگی‌های شاخص آن بوده است.

اما در این قسمت باید روش تحقیق را مشخص کنیم. نوع روش تحقیق دارای رویکرد توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد؛ و از نظر تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها، به صورت تحلیل-کمی می‌باشد. به این صورت نمودارهای کمی در این مقاله وجود دارد مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و دیگر بخش‌های مقاله به صورت توصیفی و کیفی ارائه می‌شود. همچنین، روش گردآوری داده‌ها بر مبنای روش کتابخانه‌ای و منابع معتبر اینترنتی می‌باشد.

اسلام‌هراسی در آمریکا: حوزه نظر و عمل

از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، این تصور که ایالات متحده و دنیای اسلام در مرحله‌ی تصادم قرار گرفته‌اند، به صورت نوعی باور قدرت گرفت. مخالفان، این نظریه را که به‌وسیله‌ی برنارد لوئیس و ساموئل هانتینگتون ارائه شده، جنگ بوش با تروریسم را، نه کارزاری علیه القاعده و متحدان این جریان، بلکه نبرد غول آسای ترکیب یهودی-مسیحی، علیه جهان اسلام ارزیابی می‌کنند (درفیوس، ۲۰۰۷: ۱۸۷). ابعاد و اضلاع اسلام‌هراسی در ایالات متحده در دو سطح اندیشه‌ای و عملی مطرح‌اند: از حیث اندیشه‌ای برخی از اندیشمندان آمریکایی مانند ساموئل هانتینگتون^۱ بین اسلام، خشونت و تروریسم یک رابطه علی برقرار می‌کنند. از نظر آن‌ها جهاد یک موضوع محوری در برداشت همه مسلمانان از جهان می‌باشد. ساموئل هانتینگتون در کتاب *برخورد تمدن‌ها* بحث کرده است که مسئله عمده برای غرب بنیادگرایی اسلامی نیست بلکه خود اسلام است. اسلام یک تمدن از ملت‌های مختلف که مردم آن به برتری فرهنگی خود اعتقاد دارند و حقیر شدن قدرشان آن‌ها را نگران نموده است (هانتینگتون، ۱۹۹۶).

1. Samuel Phillips Huntington

مطابق این نظریه، اسلام به عنوان یک حوزه تمدنی، چالشی عمده برای حوزه تمدنی غرب و آمریکا محسوب می‌شود. هانتینگتون زمانی نظریه خود را ارائه داد که آمریکا در نتیجه فروپاشی شوروی با خلأ استراتژیک مواجه بود و هیچ‌گونه منبعی برای معنا دادن و هویت بخشیدن به سیاست‌های خود در اختیار نداشت. لذا در این مقطع، اشاره به تهدید بنیادگرایی اسلامی می‌توانست خلأ مزبور را پر کند (سلیمانی پور لک، ۱۳۸۹: ۸۶). برنارد لوئیس ۱ که از نومحافظه‌کاران آمریکا محسوب می‌شود، معتقد است: اسلام با مجموعه منحصربه‌فرد خود از اصول حقوقی مندرج در قوانین شریعت، در تضاد با لیبرال-دموکراسی است و با خوانش لوئیس، متقابلاً منحصربه‌فرد و ناسازگار است بنابراین تعارض اجتناب‌ناپذیر است (مک‌گلینچی، ۲۰۱۹: ۴).

این تمرکز بر «مسلمان به عنوان دشمن» است که در دوره معاصر با تز «برخورد تمدن‌ها» دوباره کار شده است. این تئوری که توسط ساموئل هانتینگتون (۱۹۹۶) ارائه شده، بر این مبنا استوار است که پس از پایان جنگ سرد، لیبرال دموکراسی‌های غربی تنها دو دشمن ایدئولوژیک و اساساً ناسازگار از جمله، کمونیسم آسیایی و اسلام‌گرایی باقی مانده‌اند و اینکه نبرد بعدی برای برتری یکی خواهد بود. حادثه ۱۱ سپتامبر باعث پذیرش این نظریه (برخورد تمدن‌ها) در میان نویسندگان، سیاستمداران، روزنامه‌نگاران و صاحب‌نظران بی‌شماری شد و نگرانی‌ها درباره کمونیسم آسیایی موقتاً کنار گذاشته شد. به‌ویژه در ایالات متحده، نومحافظه‌کاران دست راستی با اشتیاق تز برخورد تمدن‌ها را پذیرفتند، درحالی‌که بسیاری از لیبرال‌های جناح چپ یا مایل نبودند یا قادر به مقابله با این روایت نبودند (پراتاند و وودلاک، ۲۰۱۶: ۷).

رهبران جریان محافظه‌کار جدید، مثل جیمز وولسی^۲ یکی از مدیران سابق سی‌آی‌ای و تحلیل‌گر سیاسی و نورمن پودورتس^۳ اعلام کردند که کارزار علیه اسلام، در واقع جنگ جهانی چهارم است. جرج بوش و صاحب‌منصبان کلیدی او، قدرت اسلام سیاسی و گاه خود اسلام را با قدرت فاشیسم و کمونیسم مقایسه می‌کنند. به زعم آنان، وجود ظرفیت شبکه جهانی این جریان، موجودیت آمریکائی را تهدید می‌کند و به این دلیل، گام‌های مؤثری که هنوز به چند و چونش نیندیشیده‌اند، باید علیه آن برداشته شود. ضرورت وارد شدن به جنگ جهانی چهارم، دکترین جدید و یک‌جانبه ایالات متحده را می‌طلبد. پس باید پای جنگ‌های پیشگیری‌کننده و تعرضی بروند که جنگ علیه افغانستان، عراق و بعد ملت‌های دیگر را شامل می‌شود (درفیوس، ۲۰۰۷: ۱۸۸).

1. Bernard Lewis
2. Robert James Woolsey Jr.
3. Norman Podhoretz

از طرف دیگر، همچنین گروه‌های ضداسلامی معمولاً دیدگاه‌های توطئه‌آمیز در مورد خطر ذاتی مسلمان آمریکا برای جامعه آمریکا دارند و این‌طور ذکر می‌کنند که مسلمانان به‌عنوان ستون پنجمی در نظر گرفته می‌شوند که قصد تضعیف و در نهایت جایگزینی دموکراسی آمریکایی و تمدن غربی با استبداد اسلامی را دارند؛ و این یک نظریه توطئه معروف به «برخورد تمدن» مربوط می‌شود (بیرچ، ۲۰۱۸: ۹)؛ اما در حقیقت دشمنی که در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به ایالات متحده حمله کرد، نه اسلام بود، نه اسلام بنیادگرا بود، نه اخوان المسلمین و حزب الله و حماس، یا سایر گروه‌های موسوم به طیف راست اسلامی، بلکه این دشمن فقط القاعده بود (درفیوس، ۲۰۰۷: ۱۸۹-۱۸۸). نومحافظه‌کاران در آمریکا، تقابل با مسلمانان را مانند جنگ‌های صلیبی فرض می‌کنند و با تفسیر خیر و شر از جهان، خود را در طرف خیر و مسلمانان را در سمت شر فرض می‌گیرند. بنابراین، تقابل با مسلمانان آمریکا و جهان یکی از اهداف نومحافظه‌کاران می‌باشد و آن‌ها فقط نیاز به شرایط و نظریه خاص داشتند تا چارچوبی برای دیدگاه‌های ضداسلامی خود ارائه کنند.

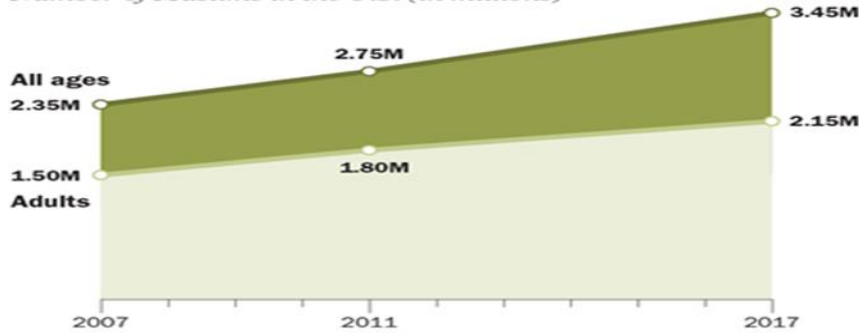
اسلام و مسلمانان در آمریکا

جمعیت مسلمانان در آمریکا

میزان درصد جمعیت ادیان در آمریکا به این صورت می‌باشد که پروتستان ۴۶/۵٪، کاتولیک رومی ۲۰/۸٪، یهودی ۱/۹٪، کلیسای عیسی مسیح ۱/۶٪، سایر مسیحیان ۰/۹٪، مسلمان ۰/۹٪، شاهدان یهوه ۰/۸٪، بودایی ۰/۷٪، هندو ۰/۷٪، سایر ۱/۸٪ (بخشی از جمعیت آمریکا که عمدتاً ادیان غیر توحیدی هستند و دین‌ها و مذاهب نامتعارف دارند)، غیروابسته ۲۲/۸٪ (اصلاً دین و مذهبی ندارند یا وابسته به دین و مذهبی نیستند) نامشخص ۰/۶٪ (شش دهم درصدی از جمعیت آمریکا که مشخص نیست چه نوع دینی را پذیرا هستند) (تخمین ۲۰۱۴) (کتاب حقایق جهان، ۲۰۲۱). مسلمانان حدود ۹ دهم درصد ادیان حاضر در آمریکا را در سال ۲۰۱۴ تشکیل می‌دادند.

Number of Muslims in the U.S. continues to grow

Number of Muslims in the U.S. (in millions)



Note: U.S. Muslim population estimates reflect a correction made on Nov. 9, 2017. Source: Pew Research Center estimates based on analysis of surveys of Muslim Americans in 2007, 2011 and 2017 combined with U.S. Census data. "U.S. Muslims Concerned About Their Place in Society, but Continue to Believe in the American Dream"

PEW RESEARCH CENTER

نمودار ۱. روند افزایش جمعیت مسلمان در آمریکا (لیپکا، مرکز تحقیقات PEW، ۲۰۱۷)

بر اساس برآوردها در سال ۲۰۱۷ تعداد مسلمانان در آمریکا افزایش یافته است و حدود ۳/۴۵ میلیون مسلمان در هر سنی در ایالات متحده زندگی می‌کنند و حدود ۱/۱٪ از جمعیت ایالات متحده را تشکیل می‌دهند. بر اساس همین تحلیل، مرکز تحقیقات پیو همچنین تخمین می‌زند که ۲/۱۵ میلیون بزرگسال مسلمان در این کشور وجود دارد که اکثریت آن‌ها (۵۸٪) مهاجر هستند. پیش‌بینی‌های جمعیتی موسسه پیو تخمین می‌زند که مسلمانان تا سال ۲۰۵۰، حدود ۲/۱ درصد از جمعیت ایالات متحده را تشکیل می‌دهند و از افرادی که بر اساس مذهب یهودی به عنوان دومین گروه مذهبی بزرگ در این کشور هستند بدون احتساب افرادی که می‌گویند هیچ اعتقادی دین ندارند، پیشی می‌گیرند (لیپکا، ۲۰۱۷). نتایج نشان می‌دهد که جمعیت مسلمان در سال‌های پیش رو افزایش می‌یابد.

تبعیض علیه مسلمانان در سیستم سیاسی نابرابر: ساختار اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی را باید به عنوان یک جنگ نهادینه، ساختاری و سیستماتیک علیه مسلمانان و هر کسی که با اسلام، مسلمانی و مسائل مسلمانان مرتبط دانسته شود، تلقی کرد. به این ترتیب، شکلی سیستماتیک از نژادپرستی و تبعیض نژادی را تشکیل می‌دهد (عبدالهادی، ۲۰۱۸: ۱۵). اسلام‌هراسی ساختاری، ترس و بدگمانی نسبت به مسلمانان از سوی نهادها به ویژه سازمان‌های دولتی تعریف می‌شود که از طریق اعمال و پیشبرد سیاست‌ها

آشکار می‌شود. این سیاست‌ها بر اساس این پیش‌فرض ساخته شده‌اند که هویت مسلمان با تهدید امنیت ملی مرتبط است (بیدون، ۲۰۲۱).

به گزارش سازمان‌های حقوق بشری علی‌رغم کوشش سازمان‌های فعال مردم‌نهاد در آمریکا و جامعه مدنی جهانی، دولت ایالات متحده حقوق بسیاری از مسلمانان و مردمان بومی سایر کشورها را نقض می‌نماید. نویسندگان بر این باور هستند که تداوم این معضل در چند دهه اخیر، به علت حاکمیت نظام نومحافظه‌کاری شدت بیشتری یافته است. تفکر نومحافظه‌کاری به نابرابری انسان‌ها از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اعتقاد دارد؛ در حالی که موازین حقوق بشری به برابری انسان‌ها در تمامی ابعاد زندگی بشر تأکید می‌ورزند. از این رو، در نظام نومحافظه‌کار آمریکا، رهبران این کشور اندیشه‌هایی همچون برتری سفیدپوستان نسبت به سیاه‌پوستان، تنبیه شدید جنایتکاران، تأثیر و نظارت بر زندگی شهروندان، بازار آزاد و کاهش مالیات، جلوگیری از گسترش حقوق شهروندان، مخالفت با فمینیسم و نابرابری‌های طبیعی و چیرگی بر جهان را دارند که نقض حقوق سیاه‌پوستان، مسلمانان، زندانیان و شهروندان، فقرا، مهاجران و زنان را موجب می‌شود (غفوری و داوند، ۱۳۹۵). هسته مرکزی اندیشه محافظه‌کاری به نابرابری انسان‌ها تکیه دارد و اینکه اقلیتی باید نقش هدایت جامعه را بر عهده داشته باشند و اکثریت از نبوغ این اقلیت پیروی کنند؛ اقلیت شامل محافظه‌کاران اشراف سالار و محافظه‌کاران بورژوازی می‌باشد که به نوعی «اشرافیت طبیعی» باور دارند؛ از این رو کسانی که متعلق به «اشرافیت طبیعی» هستند ویژگی‌های لازم چون علم و دانش، فضیلت و عقل‌گرایی را برای رهبری اکثریت دارا می‌باشند. در نتیجه محافظه‌کاران جدید از مفاهیمی چون بازار آزاد و ابتکار فردی برای دفاع از نظام سرمایه‌داری و برای توجیه نابرابری‌های و برتری خود در عرصه اقتصادی و اجتماعی جامعه سود می‌برند (پولادی، ۱۳۸۳: ۲۰۹-۲۰۸).

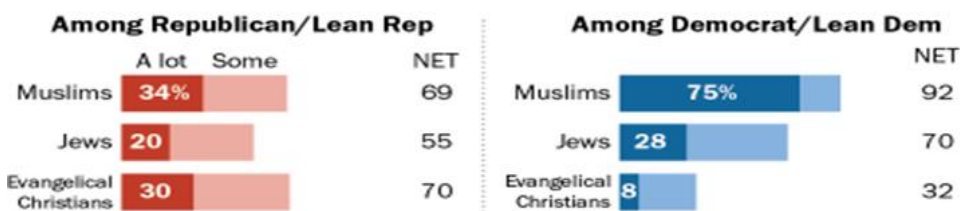
بر همین اساس، در عرصه داخلی نومحافظه‌کاری نیز در زمینه مسائل اخلاقی و فرهنگی نیز موضع گرفت، به‌ویژه با گسترش سکولاریسم و افول ارزش‌های مذهبی و آزادی‌های جنسی به مخالفت برخاست. جنبش نومحافظه‌کاری در آمریکا اخیراً با جناح راست حزب جمهوری خواه پیوند بیشتری یافته است. همچنین با جنبش راست مذهبی در آمریکا به رهبری جری فالول^۱ و گروه «اکثریت اخلاقی» رابطه نزدیکی داشته است (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۸۸). رهبران راست مذهبی، اخلاق را همان احکام اخلاقی بنیادگرای مسیحی می‌دانستند، به نظر آنان ایالات متحده در حکم ملتی مسیحی بنیاد گذاشته شد و رشد کرد و اکنون باید به ریشه‌اش برگردد (بال و دگر، ۱۳۸۶: ۱۷۰).

1. Jerry Falwell Sr.

از زمان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، تعدادی از بازیگران و سیاستمداران بانفوذ ضداسلامی پیشنهاد های سیاسی و تصویب قوانینی را ارائه کرده‌اند. شیطان‌سازی مسلمانان و اسلام از قبیل این پیشنهادها است. علاوه بر این، انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور در سال ۲۰۱۶ به این افراد این امکان را داد که دیدگاه‌ها و لفاظی های آشکار ضداسلامی خود را از طریق تعدادی اقدامات و استراتژی های مشخص در بالاترین مقام کشور نهادینه کنند (مارینوف و استوکمر، ۲۰۲۰: ۳). بر این اساس، شکاف های حزبی قابل توجهی در دیدگاه های تبعیض علیه گروه های مذهبی وجود دارد. برای مثال، دموکرات ها و کسانی که به حزب دموکرات تمایل دارند، بیشتر از جمهوری خواهان تمایل هستند که بگویند مسلمانان حداقل در ایالات متحده با تبعیض مواجه هستند (۹۲٪ در مقابل ۶۹٪). در عین حال، جمهوری خواهان بسیار بیشتر از دموکرات ها می گویند که انجیلی ها با تبعیض مواجه هستند (۷۰ درصد در مقابل ۳۲ درصد). بر اساس یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۷ از مسلمانان آمریکایی صورت گرفت، در میان خود مسلمانان ایالات متحده، بسیاری می گویند که موارد خاصی از تبعیض را تجربه کرده‌اند، از جمله با سوءظن برخورد شده و توسط نیروهای امنیتی فرودگاه مورد توجه قرار گرفته یا با نام های توهین آمیز خوانده شده‌اند (ماسکی، ۲۰۱۷). حزب جمهوری خواه آمریکا که به طور سنتی وام دار اندیشه نومحافظه کاری می باشد به ساختار اسلام‌هراسی دامن می زند. در نمودار شماره ۲ آمارها حکایت از آن دارد که حزب جمهوری خواه در مقایسه با دموکرات ها، نسبت به تبعیض هایی که علیه مسلمانان در جامعه آمریکا اعمال می شود بی توجه هستند.

Democrats more likely to see discrimination against Muslims and Jews

% who say there is ____ of discrimination against each group in our society



Source: Survey of U.S. adults conducted March 20-25, 2019.

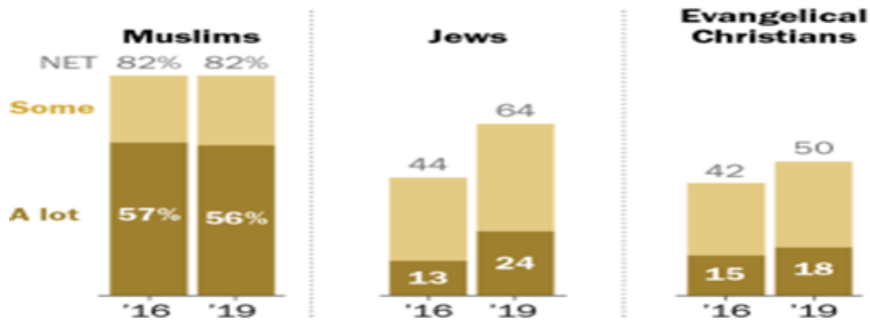
PEW RESEARCH CENTER

نمودار ۲. روند اعمال تبعیض ها علیه مسلمانان از سوی دو حزب آمریکا (مرکز تحقیقات پیو، ۲۰۱۹)

بر اساس نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو که در ماه مارس انجام شد، در نمودار شماره ۳، اکثر بزرگسالان آمریکایی (۷۸٪) می‌گویند که مسلمانان امروز در ایالات متحده حداقل در معرض تبعیض هستند، از جمله اکثریت (۵۶٪) که می‌گویند مسلمانان به شدت مورد تبعیض قرار می‌گیرند (ماسکی، ۲۰۱۷).

Most Americans say Muslims subject to discrimination

% who say there is ____ of discrimination against each group in our society



Source: Survey of U.S. adults conducted March 20-25, 2019.

PEW RESEARCH CENTER

نمودار ۳. تبعیض مسلمانان در آمریکا (ماسکی، موسسه پیو، ۲۰۱۹)

Six-in-ten white evangelicals say Trump has helped evangelical Christians

% in each group who say that the Trump administration has helped, hurt or not made much difference for ...

	... Evangelical Christians			... Muslims			... Jews		
	Helped	Not much difference	Hurt	Helped	Not much difference	Hurt	Helped	Not much difference	Hurt
All U.S. adults	43%	44%	11%	7%	42%	48%	29%	42%	26%
Protestant	44	41	12	9	51	37	39	39	19
White evang. Protestant	59	32	7	12	58	25	57	31	10
White Protestant, not evang.	44	44	9	8	49	40	37	39	21
Black Protestant	21	51	26	4	39	55	12	50	35
Catholic	40	49	9	8	47	41	33	42	22
Jewish	64	32	4	8	28	64	40	23	36
Unaffiliated	42	46	10	5	32	61	16	45	36

Note: Those who did not answer are not shown. Blacks and whites are not Hispanic.

Source: Survey conducted Feb. 4-15, 2020, among U.S. adults.

PEW RESEARCH CENTER

نمودار ۴. تأثیرات ریاست جمهوری ترامپ بر مسلمانان (نورتی، محقق پیو، ۲۰۲۰)

در نمودار شماره ۴، تأثیرات ریاست جمهوری ترامپ بر مسلمانان به‌طور گسترده منفی تلقی می‌شود. آمریکایی‌ها تقریباً هفت برابر (۴۸ درصد) بیشتر می‌گویند که دولت ترامپ به مسلمانان آسیب رسانده است، در طرف مقابل که می‌گویند به آن‌ها کمک کرده است (۴۸٪ در مقابل ۷٪). در میان یهودیان و غیرمذهبی‌ها - دو گروه که به‌طور مداوم به‌عنوان لیبرال و دموکرات شناخته می‌شوند - اکثریت شش نفر از هر ده یا بیشتر معتقدند که دولت ترامپ به مسلمانان آسیب رسانده است (نورتنی، ۲۰۲۰)؛ بنابراین، در این نمودار داده‌ها نشان می‌دهد که مسلمانان بیشتر از سایر گروه‌های دینی از دولت ترامپ آسیب دیده‌اند. از سویی دیگر، دیدگاه دالیا مجاهد^۱، از تهیه‌کنندگان گزارش در مورد اسلام‌هراسی، به این نتیجه می‌رسد که ریشه تبعیض و اسلام‌ستیزی در نگاه ایدئولوژیک و سیاست زده‌ای دارد که اقلیت ستیزی را ترویج می‌کند تا افسار اکثریت را خود در دست داشته باشد (امینیان، ۱۳۹۸: ۵۲-۵۱). هرچند تأثیر اندیشه‌های نومحافظه‌کاری در سیاست داخلی و خارجی ترامپ به میزان اندکی است اما به‌طور کلی جمهوری خواهان آمریکایی تحت تأثیر فضا و ساختار ایدئولوژیک نهادینه شده نومحافظه‌کاران و راست‌های نو قرار دارند.

نهادها و شبکه‌های ساختار اسلام‌هراسی در آمریکا

شاید رایج‌ترین شاخص نهادینه‌سازی، پذیرش و ادغام جنبش توسط دولت و نخبگان سیاسی آن و نیز پذیرش در محافل سیاست‌گذاری باشد. نهادینه شدن احساسات ضداسلامی لزوماً وجود یک حزب سیاسی مطلقاً ضداسلامی را ایجاب نمی‌کند و نه اینکه کسانی که از احساسات ضداسلامی حمایت می‌کنند باید در این حزب خود بر اختیارات تصمیم‌گیری دولت کنترل داشته باشند، بلکه در عوض، چنین احساساتی می‌تواند در فرآیندهای تصمیم‌گیری نهادهای دولتی به روش‌های مختلف، از جمله از طریق مشارکت احزاب و سازمان‌ها، نفوذ از طریق تشکیل حوزه‌های انتخابیه، حمایت مالی نهادینه شود و نیز حمایت رسانه‌ای، دانش و تولید افکار عمومی و غیره تأثیرگذار است. به این ترتیب، ما می‌توانیم میزان نسبی نهادینه شدن احساسات ضداسلامی را با نگاه کردن به نقش‌ها، موقعیت‌ها و اشکال واقعی اعمال شده توسط بازیگران و سازمان‌های ضداسلامی در داخل بسنجیم (مارینوف و استوکمر، ۲۰۲۰: ۹). علاوه بر این، «مسلمان خوب میانه‌رو» هیچ هدف مفیدی برای ایدئولوگ‌های نومحافظه‌کار ندارد، مگر به‌عنوان معیاری برای سنجش منفی مسلمانان «بد» سرکش. برچسب‌های مسلمان خوب/بد واقعاً نشان‌دهنده درجاتی از نزدیکی به منافع (قابل تغییر) سیاست خارجی کشورهای غربی است. از آنجایی که اسلام‌هراسی در قلب خود یک اضطراب وجودی در مورد

قاطعیت سیاسی مسلمانان دارد، این شامل هر نوع و هر مسلمانی است که پارادایم نومحافظه کاران را به چالش می کشد (پرت و وودلاک، ۲۰۱۶: ۸).

گروه کوچکی از بنیادها و کمک کنندگان ثروتمند، رگ حیاتی شبکه اسلام‌هراسی در ایالات متحده هستند و کمک‌های مالی حیاتی (در قالب کتاب، گزارش و وبسایت) به گروهی از اندیشکده‌های دست راستی که نفرت و ترس از مسلمانان و اسلام دارند، می‌کنند. وبلاگ‌ها و نکات گفتاری به دقت طراحی شده که سازمان‌های مردمی ضداسلام و برخی گروه‌های مذهبی راست‌گرا از آن‌ها به‌عنوان تبلیغات برای حوزه انتخابیه خود استفاده می‌کنند. برخی از این بنیادها و کمک‌کننده‌های مالی ثروتمند به‌طور مستقیم به گروه‌های مردمی ضداسلام کمک مالی می‌کنند. بر اساس تجزیه و تحلیل گسترده، در اینجا هفت عامل اصلی (بنیادها) در ترویج اسلام‌هراسی در آمریکا آمده است:

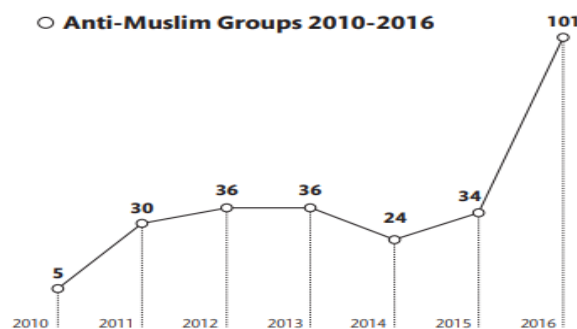
۱. صندوق سرمایه خیرین^۱
۲. بنیادهای ریچارد ملون اسکایف^۲
۳. بنیادهای نیوتون دی و روشل اف بکر و اعتماد خیریه^۳
۴. بنیاد لیند و هری بردلی^۴
۵. بنیاد راسل بری^۵
۶. صندوق خیریه انکورجیج و صندوق خانواده ویلیام روزنوالد^۶
۷. بنیاد فربروک^۷

در مجموع این هفت گروه خیریه بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹، ۴۲/۶ میلیون دلار به اندیشکده‌های اسلام‌هراسی اختصاص داده‌اند (مرکز پیشرفت آمریکا، ۲۰۱۱: ۳). با رشد قابل توجه سازمان‌های ضداسلامی از سال ۲۰۰۱، شورای روابط آمریکایی-اسلامی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ مطالعه گسترده‌ای درباره شبکه اسلام‌هراسی آمریکا انجام داد و حدود ۶۹ سازمان را یافت که وظیفه اصلی آن‌ها گسترش تعصب یا نفرت از اسلام و مسلمانان بود. گزارش بعدی نشان داد که بودجه برای این سازمان‌های ضداسلامی به‌طور مداوم افزایش

1. Donors Capital Fund
 2. Richard Mellon Scaife foundations
 3. The Russell Berrie Foundation
 4. Lynde and Harry Bradley Foundation
 5. Becker Foundations
 6. Anchorage Foundation William Rosenwald Family Fund
 7. The Fairbrook Foundation

یافته است، از ۱۲۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۱ به ۲۰۶ میلیون دلار در سال ۲۰۱۵ (مارینوف و استوکمر، ۲۰۲۰: ۶).

همچنین از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ گروه‌ها و شبکه‌های ضداسلامی رشد بسیاری در آمریکا داشته‌اند که بی‌ارتباط با ظهور بنیادگرایی اسلامی و داعش در این سال‌ها نیست. این صنعت اسلام‌هراسی توسط کسانی اداره می‌شود که از اندیشه‌های نومحافظه‌کاری پیروی می‌کنند یا تحت تأثیر آن قرار دارند.



نمودار ۵. روند رشد گروه‌ها و شبکه‌های ضداسلامی در آمریکا (بیرچ، ۲۰۱۸: ۸)

تعدادی از بازیگران خصوصی و عمومی که اغلب با این اندیشکده‌ها ارتباط نزدیکی دارند و در هماهنگی با این اندیشکده‌ها کار می‌کنند، در خدمت تقویت نفوذ ضداسلامی راست رادیکال بر نهادهای سیاسی آمریکا هستند، از جمله از طریق جنبش‌ها و سازمان‌های مردمی مانند جنبش تی پارتی^۱، اعضای حزب جناح راست مسیحی و چندین سیاستمدار جمهوری خواه قرار دارند. در این شبکه گسترده، تعدادی از بازیگران برجسته وجود دارند که باعث رشد قدرت و نفوذ جنبش می‌شوند (مارینوف و استوکمر، ۲۰۲۰: ۲).

از سوی دیگر، ترامپ و امثال او متعلق به طیفی هستند که ناتان لین^۲، متخصص الهیات، آن را «صنعت اسلام‌هراسی» نامیده است. مرکز پیشرفت آمریکا (CAP) گزارشی جامع از این شبکه افراد و گروه‌ها با عنوان «ریشه‌های شبکه اسلام‌هراسی در آمریکا» در سال ۲۰۱۱ منتشر کرد. این گزارش به خوبی ارتباط بین گروه‌های راست‌گرای مختلف، شخصیت‌های سیاسی، اتاق‌های فکر، بنیادهای محافظه‌کار و جریان اصلی و رسانه‌های راست‌گرا را نشان می‌دهد. شبکه اسلام‌هراسی شامل بخشی از نومحافظه‌کاران، سازمان‌های صهیونیستی، بنیادگرایان مسیحی و مسلمانان راست‌گرای سابق از خاورمیانه و جنوب آسیا است (کومار، ۲۰۲۱).

سازمان‌ها و شبکه‌های اسلام‌هراسی بسیاری در ایالات متحده وجود دارد که صنعت اسلامی‌هراس را ترویج می‌کنند در اینجا به تعدادی رهبران اصلی و مهم آن‌ها به‌عنوان شاخص اشاره می‌کنیم.

1. State Tea Party movements
2. Nathan Lean

۱. انجمن هنری جکسون

انجمن هنری جکسون^۱ که امروز نماینده اصلی نومحافظه کاری در بریتانیا است بر پایه سنت فراتلانتیکی در سال ۲۰۰۵ شکل گرفت. این انجمن که عمیقاً تحت تأثیر اسلام‌هراسی است؛ نام و ایدئولوژی خود را بر اساس نام و ایدئولوژی سناتور هنری جکسون که یک دموکرات با گرایش‌های غیرلیبرال است و مسیری نومحافظه کارانه را دنبال کرده است، برگزیده است. گریفین^۲ و اکد^۳ و دیگران در گزارش خود توضیح می‌دهند که چگونه سنت هنری جکسون با گرد هم آوردن مداخله‌جویان از هر دو طرف طیف سیاسی، الهام‌بخش جنبش نومحافظه کاران در ایالات متحده و بریتانیا شد. این جنبش در رابطه با حمایت سرسختانه از رژیم صهیونیستی و ترویج سیاست‌های اسلام‌هراسی فزاینده، چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی تأثیرگذار بوده است. تحقیقات نشان داده که این سازمان، چه در بریتانیا و چه در ایالات متحده، دارای سابقه قوی در تأمین مالی اهداف تندرو طرفدار رژیم صهیونیسم و اسلام‌هراسی هستند (گریفین و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۵).

۲. بریژیت گابریل^۴

رئیس سازمان و مؤسس شبکه ضد اسلام (ACT)، اسلام را به صورت مطلق تهدیدی یکپارچه برای ایالات متحده، رژیم صهیونیستی و غرب می‌داند (بیریچ، ۲۰۱۸). او در مأموریت خود هشدار داده است که مسلمانان رادیکال (اصطلاحی که او برای همه مسلمانان عمل‌کننده تعریف می‌کند)، درصدد تسخیر غرب هستند. گابریل قبل از ایجاد ACT به شدت از اسلام و مسلمانان انتقاد می‌کرد. بنیاد آزادی مذهبی نظامی^۵ که یک گروه از کهنه سربازان ایالات متحده است، از گابریل به‌عنوان متعصب آسیب‌شناختی^۶ یاد می‌کند (موسسه Cairo، ۲۰۱۴). گابریل و گروهش از سرسخت‌ترین حامیان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا بودند (مرکز حقوقی فقر جنوب، ۲۰۲۱).

۳. دیوید یروشالمی^۷

دیوید یروشالمی بنیان‌گذار اتاق فکر «انجمن آمریکایی‌ها برای وجود ملی» است که برای اولین بار در سال ۲۰۰۷ قانونی را پیشنهاد کرد تا پیروی از شریعت را به‌عنوان جرمی که مجازات آن ۲۰ سال زندان باشد، ارائه می‌کرد و مشاور عمومی بسیاری از اندیشکده‌ها و سازمان‌های مردمی در شبکه اسلام‌هراسی است. یروشالمی

1. HJS
2. Tom Griffin
3. Hilary Aked
4. Brigitte Gabriel
5. The Military Religious Freedom Foundation
6. pathologically bigoted
7. David Yerushalmi

همچنین نماینده گروه‌های مسیحی دست‌راستی است. یروشالمی در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۶ با عنوان «درباره نژاد: بحثی آزمایشی»، سیاه‌پوستان را قاتل‌ترین مردمان توصیف کرد. او مشاور عمومی مرکز سیاست‌های امنیتی و یکی از نویسندگان گزارش «CSP شریعت: تهدید آمریکا» است. او همچنین به عنوان مشاور حقوقی برای گروه ضد مسلمان «اسلامی‌سازی آمریکا را متوقف کنید» به رهبری رابرت اسپنسر^۱ است که در لیست زیر مشخصات او را معرفی می‌کنیم و پاملا گلر^۲ که در بخش رسانه‌ای گزارش خود، به همراه وبلاگ تأثیرگذار او، «اطلس شانه می‌اندازد» خدمت می‌کند (مرکز پیشرفت آمریکا، ۲۰۱۱: ۳۶-۳۷).

۴. پاملا گلر

وی رئیس سازمان ابتکار دفاع از آزادی آمریکا (AFDI) است. او همچنین وبلاگ (pamelageller.com) را اداره می‌کند. گلر نقش برجسته‌ترین و بانفوذترین چهره جنبش ضداسلامی را به دست گرفته است. ایدئولوژی نازی گلر با نژادپرست‌ها و فاشیست‌های اروپایی آمیخته شده است، وی از نژادپرستان آفریقای جنوبی و از جنایتکار جنگی صرب، اسلوبودان میلوسویچ^۳، دفاع کرده است. او با اسپنسر فیلم «مسجد زمین صفر: موج دوم حملات ۱۱ سپتامبر» را تولید کرد که اولین بار در کنفرانس کنش سیاسی محافظه‌کار در سال ۲۰۱۱ به نمایش درآمد. او یک صهیونیست خودخوانده است که به شدت از لیبرال‌های یهودی (غیر صهیونیست) انتقاد می‌کند. او با اسپنسر در کتاب ریاست جمهوری پس از آمریکا: جنگ دولت او با ما علیه آمریکا (۲۰۱۰) نویسنده مشترک است (بیرچ، ۲۰۱۸: ۱۱).

۵. فرانک گافنی^۴

فرانک گافنی با سازمان‌های مردمی دست‌راستی مانند «For America ACT» مشورت و همکاری می‌کند. وی برای «انجمن عقاب^۵» و همچنین گروه‌های راست مذهبی مانند «ائتلاف ایمان و آزادی» و «انجمن خانواده آمریکایی^۶» گزارش‌های خود را منتشر می‌کند. این کارشناسان با سخنرانی در کنفرانس‌های خود، نوشتن در وبسایت‌های خود و حضور در برنامه‌های رادیویی خود، اسلام را مورد انتقاد قرار می‌دهند و مسلمانان آمریکایی را بدگمان می‌کنند. بسیاری از تبلیغات آن‌ها به

1. Robert Spencer
2. Pamela Geller
3. Slobodan Milošević
4. Frank Gaffney
5. Eagle Forum
6. American Family Association

درخواست‌های جمع‌آوری کمک‌های مالی توسط گروه‌های مردمی و راست مذهبی انجام می‌شود (مرکز پیشرفت آمریکا، ۲۰۱۱: ۶).

۶. دیوید هوروویتز^۱

وی مؤسس مرکز آزادی دیوید هوروویتز^۲ است و همچنین مقداری حمایت مالی برای سرمایه‌گذاری‌های مختلف ضد مسلمانان از جمله وبسایت «جهاد دیده‌بان»^۳ فراهم می‌کند. مرکز هوروویتز هفته‌نامه «آگاهی از فاشیسم اسلامی» را سازمان‌دهی کرده است که فعالان برجسته ضد مسلمان را به فضای آموزشی دانشگاه‌ها می‌آورد. او نویسنده چندین کتاب از جمله *اتحاد نامقدس: اسلام رادیکال و چپ آمریکایی* (۲۰۰۴) است که در آن ادعا می‌کند چپ‌های آمریکایی از تروریست‌های اسلامی حمایت می‌کنند (بیریچ، ۲۰۱۸: ۱۲).

۷. دنیل پایپس^۴

پایپس را یکی از نویسندگان نومحافظه‌کاری و صهیونیست می‌دانند هرچند وی در وبسایت خود در سال ۲۰۰۹ اعلام کرده که دیگر نومحافظه‌کار نیست. وی گفته است: «من در سال ۲۰۰۵ نوشتم که توصیف نومحافظه‌کاران را با خوشحالی می‌پذیرم، اما چهار سال بعد دیگر قبول ندارم. به ویژه، اختلافات من با مواضع نومحافظه‌کاران در مورد ترویج دموکراسی و در مورد عراق آن‌قدر زیاد شده است که نمی‌توانم خود را بخشی از این جنبش بدانم. من اکنون خود را یک «محافظه‌کار» ساده می‌بینم، نه کم‌بیش» (پایپس، ۲۰۰۹). پایپس بنیان‌گذار انجمن خاورمیانه^۵ است. پایپس و اتاق فکر او به‌طور فزاینده‌ای در مورد تهدید فرضی اسلام و مسلمانان در آمریکا سختگیر شده‌اند. وی تحقیقات بی‌اساس و افراطی در مورد اسلام انجام می‌دهد. کتاب پایپس در سال ۲۰۰۳/اسلام ستیزه‌جو به آمریکا می‌رسد، یکی از اولین کتاب‌هایی بود که تهدید نفوذ «اسلام ستیزه‌جو» را در آمریکا مطرح کرد. در سال ۲۰۰۶، پایپس سازمان دیده‌بان اسلام‌گرا را راه‌اندازی کرد که با ایده‌ها و نهادهای اسلام‌گرایی قانونی در ایالات متحده و سراسر غرب مبارزه می‌کند و از وبسایت (www.danielpipes.org) خود برای انعکاس شعارهای هشداردهنده شبکه اسلام‌هراسی در مورد تهدید شریعت خزننده ناشی از اسلام رادیکال استفاده می‌کند (مرکز پیشرفت آمریکا، ۲۰۱۱: ۴۱-۴۳).

1. David Horowitz
2. David Horowitz Freedom Center
3. Jihad Watch
4. Daniel Pipes
5. Middle East Forum

۸. استیون امرسون^۱

وی بنیان‌گذار و مدیر اجرایی «پروژه تحقیقاتی در مورد تروریسم»^۲ است. پروژه تحقیقاتی استیون امرسون در مورد تروریسم یک سازمان خصوصی و وب‌سایت است که به افشای خطرات نفوذ اسلام‌گرایان در آمریکا از طریق تحقیقات روزنامه‌نگاری به‌دست آمده است. امرسون در این مقام، اسلام را به‌عنوان دینی ذاتاً خشن و متخاصم معرفی می‌کند (مرکز پیشرفت آمریکا، ۲۰۱۱: ۴۷-۴۸). وی نیز با اطلاعات غلط و پرونده‌سازی جعلی که بودجه آن‌ها را از بنیادها و صندوق‌های اسلام‌هراسی دریافت می‌کند سعی دارد تا اسلام را به‌عنوان پدیده‌ای تروریستی نشان دهد.

۹. رابرت اسپنسر^۳

اسپنسر «وب‌سایت دیده‌بان جهاد» و پروژه «مرکز آزادی دیوید هوروویتز» را اداره می‌کند و به‌طور مشترک بنیان‌گذار «سازمان ابتکار دفاع از آزادی آمریکا»^۴ با پاملا گلر است. اسپنسر با نژادپرستان و نفوفاشیست‌های اروپایی دوستی دارد، اگرچه او می‌گوید چنین تماس‌هایی صرفاً تصادفی بوده است. بی‌نظیر بوتو، نخست‌وزیر فقید پاکستان، در کتاب خود در سال ۲۰۰۸ با عنوان «آشتی: اسلام، دموکراسی و غرب»، اسپنسر را متهم کرد که به دروغ بین اسلام و غرب شکاف ایجاد کرده است. اسپنسر در سال ۲۰۱۱ با پاملا گلر فیلم «مسجد زمین صفر: موج دوم حملات ۱۱ سپتامبر» را تهیه کرد (بیریچ، ۲۰۱۸: ۱۲). وی به‌عنوان یکی از چندین کارشناس اطلاعات نادرست ایفای نقش می‌کند که اطلاعاتی نادرست در مورد اسلام تولید و منتشر می‌کنند (مارینوف و استوکر، ۲۰۲۰: ۱۶).

جدول ۱. دسته کارشناسان انتشار افسانه و دروغ در مورد اسلام و مسلمانان آمریکایی (مرکز پیشرفت آمریکا، ۲۰۱۱: ۴)

کارشناسان اطلاعات غلط در مورد مسلمانان	مرکز و سازمان مربوطه
فرانک گافنی	از مرکز سیاست امنیتی ^۵
دانیل پایس	در انجمن خاورمیانه
دیوید یروشالمی	از دیده‌بان جهاد و توقف اسلامی‌سازی آمریکا ^۶

1. Steven Emerson
2. The Investigative Project on Terrorism
3. Robert Spencer
4. Freedom Center
5. Center for Security Policy
6. Stop Islamization of America

کارشناسان اطلاعات غلط در مورد مسلمانان	مرکز و سازمان مربوطه
استیون امرسون	پروژه تحقیقاتی تروریسم ^۱

جدول ۲. اتاق‌های فکر اسلام‌هراسی

(تشدید ترس و اطلاعات نادرست و گمراه کردن مردم) (مرکز پیشرفت آمریکا، ۲۰۱۱: ۵)

راست مذهبی	بازیگران سیاسی	رسانه	سازمان‌های مردمی
پت رابرتسون ^۲	نماینده پیتر کینگ ^۳	کانال فاکس نیوز و واشنگتن تایمز	عمل کن برای آمریکا ^۴
فرانکلین گراهام ^۵	نماینده میشل باخمن ^۶	دیوید هوروویتز	انجمن خانواده آمریکا
رالف رید ^۷	نماینده پل برون ^۸	مرکز آزادی و راش لیمبو ^۹	جنبش‌های دولتی تی پارتی
جان هیگی ^{۱۰}	نماینده رنه المرز ^{۱۱}	شبکه پخش مسیحی ^{۱۲} و شبکه بررسی ملی ^{۱۳}	ائتلاف آزادی تنسی ^{۱۴}

1. The Investigative Project on Terroris
 2. Pat Robertson
 3. Rep. Peter King
 4. American Family Association
 5. Franklin Graham
 6. Rep. Michele Bachman
 7. Ralph Reed
 8. Rep. Paul Broun
 9. Rush Limbaugh
 10. John Hagee
 11. Rep. Renee Elmers
 12. Christian Broadcast Network
 13. The National Review
 14. Tennessee Freedom Coalition

تأثیر ساختار نومحافظه‌کاری بر مسلمانان آمریکا و اسلام‌هراسی ۵۱/

راست مذهبی	بازیگران سیاسی	رسانه	سازمان‌های مردمی
	نماینده آلن وست ^۱	صندوق کلاریون ^۲ و شبکه شان هانیتی ^۳	انجمن عقاب
	نماینده سومیریک ^۴	شبکه پاملا گلر و وبلاگ اطلس شانه بالا می‌اندازد ^۵	پاملا گلر
		مایک ساویج ^۶ و برایان فیشر ^۷	و اسلامی سازی آمریکا را متوقف کنید
		شبکه‌های مارک لوین ^۸ و گلن بک ^۹	

در جدول شماره ۳ مهم‌ترین بازیگران و محققانی نام برده می‌شود که به ترتیب فعالان، اعتباردهندگان و اندیشمندان نامیده می‌شوند. در بخش‌های قبلی مقاله، فعالان و اندیشمندان را توضیح دادیم؛ اما اعتباردهندگان شامل مسلمانانی هستند که از اسلام روی گردانیده و در خدمت اسلام‌هراسان و صهیونیست‌ها درآمده و با گزارش‌ها و کتاب‌های خود، داده‌های نادرست آن‌ها را تأیید می‌کنند.

جدول ۳. رهبران اصلی شبکه اسلام‌هراسی (بازیگران اصلی و مهمی که در مورد مسلمانان آمریکایی و اسلام در ایالات متحده اطلاعات نادرست ایجاد و منتشر می‌کنند) (مرکز پیشرفت آمریکا، ۲۰۱۱: ۳)

فعالان	اعتباردهندگان	محققان و اندیشمندان
بریزیت گابریل، ACT برای آمریکا	نونی درویش ^{۱۰} ، مسلمانان سابق آمریکا و اعراب برای رژیم صهیونیستی	استیون امرسون، پروژه تحقیقاتی در مورد تروریسم

1. Rep. Allen West
2. Clarion Fund
3. Sean Hannity
4. Rep. Sue Myrick
5. Atlas Shrugs Washington Times
6. Mike Savage
7. Bryan Fischer
8. Mark Levin
9. Glenn Beck
10. Nonie Darwish

فعالان	اعتباردهندگان	محققان و اندیشمندان
پاملا گلر، اسلامی سازی آمریکا را متوقف کنید	زهدی جاسر ^۱ ، انجمن اسلامی آمریکایی برای دموکراسی	فرانک گافنی، مرکز سیاست‌های امنیتی
دیوید هوروویتز، مرکز دیوید هوروویتز و مرکز آزادی	ولید فارس ^۲ ، پروژه تروریسم آینده	دنیل پایپس، انجمن خاورمیانه
	ولید شعبت ^۳ ، تروریست ادعایی اسلامی سابق تبدیل به مسیحی آخرالزمانی شد.	دیوید یروشالمی، جامعه آمریکایی‌ها برای وجود ملی

در دوران پس از ۱۱ سپتامبر، توسعه و رشد احساسات ضداسلامی گسترش بیشتری یافت. به ویژه، دهه ۲۰۰۰ شاهد توسعه شبکه بزرگی از اندیشکده‌ها و سازمان‌های ضداسلامی بود. همه پروژه‌ها پس از ۱۱ سپتامبر پدیدار شدند. این سازمان‌های دارای بودجه خوب همراه با بازیگران، وبلاگ‌ها، وبسایت‌ها و گروه‌های مذهبی متعدد دیگر توانستند احساسات ضداسلامی راست رادیکال را تا حدی از طریق ارائه صحبت‌های چند سیاستمدار و افزایش تمرکز بر مسائل مسلمانان در رسانه‌ها به خط مقدم بحث‌های ملی بیاورند، با این حال تا سال ۲۰۰۶، تعصب علیه مسلمانان در افکار عمومی آمریکا تنها افزایش موقتی را شاهد بود (مارینوف و استوکمر، ۲۰۲۰: ۶). این شبکه‌های اسلام‌هراس هم‌زمان با روی کار آمدن نومحافظه‌کاران در عرصه سیاست آمریکا، رشد و گسترش یافتند و نومحافظه‌کاران که دارای اندیشه‌های راست مذهبی نیز می‌باشند بر افزایش این احساسات دامن می‌زدند.

مشکلات جامعه مسلمان آمریکا: پیامدهای اسلام‌هراسی

نویسندگان مهم‌ترین پیامدهای اسلام‌گرایی علیه جامعه آمریکا در موارد زیر برشمرده است:

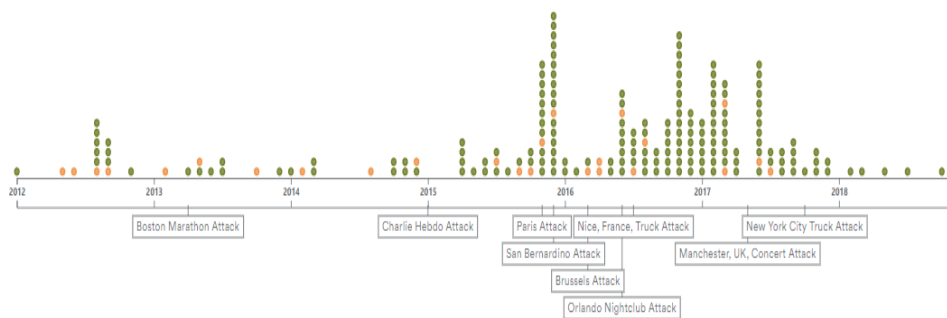
هتک حرمت به قرآن کریم و مساجد

اقدام کلیسای فلوریدا نمونه‌ای از جریان فکری قابل ملاحظه‌ای است که به ابراز تنفر و تحقیر اسلام و مسلمانان تمایل دارد. فراخوان تری جونز^۴، کشیش کلیسای کوچکی در ایالت فلوریدا، برای برگزاری مراسم

1. Zuhdi Jasser
2. Walid Phares
3. Walid Shoebat
4. Terry Jones

قرآن‌سوزی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۰ (نهمین سالگرد ۱۱ سپتامبر) یکی از جلوه‌های گسترش جریان اسلام‌هراسی در دوره ریاست جمهوری اوباما است که متأثر از پیامدهای شدید ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر موج اسلام‌هراسی در غرب و به‌خصوص در جامعه آمریکا است (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۱).

جنايات نفرت در ایالات متحده علیه مسلمانان یا افرادی که به نظر می‌رسد ممکن است مسلمان باشند در بالاترین حد خود قرار دارد. بر اساس گزارش مرکز حقوقی فقر جنوب^۱، از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ تعداد گروه‌های نفرت‌ستیز ضد مسلمانان در ایالات متحده ۱۹۷ درصد و جرائم ناشی از نفرت علیه مسلمانان ۶۷ درصد افزایش یافته است. از ژانویه تا جولای ۲۰۱۷، ۶۳ حمله به مساجد صورت گرفت (عابدی، ۲۰۱۸: ۵). در سال ۲۰۱۶، ۴۶ حمله از این دست و ۶۳ مورد تا ژوئیه ۲۰۱۷ وجود داشته است. به‌طور کلی، در سال‌های اخیر، هر ماه حدود ۹ حمله از این دست انجام می‌شود (بیریچ، ۲۰۱۸: ۱۰). مرکز نیوآمریکان^۲ در گزارش خود با عنوان «فعالیت‌های ضد مسلمانان در ایالات متحده ۲۰۱۸-۲۰۱۲»، بررسی اجمالی را با نمودارهای کمی نشان داده است که سرتاسر ایالات متحده، مساجد تخریب می‌شوند، مقامات دولتی محلی اسلام را محکوم می‌کنند و مجالس ایالتی در مورد قوانین ضد مسلمانان بحث می‌کنند. چنین فعالیت‌های ضداسلامی از اواخر سال ۲۰۱۵ به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. این پروژه اسنادی را نشان می‌دهد که با فهرست‌بندی انواع رویداد جداگانه، انواع کنش‌های اسلام‌هراسی به‌خصوص حمله علیه مساجد از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ افزایش می‌یابد.



نمودار ۶. میزان حوادث نفرت‌انگیز علیه مساجد و مراکز اسلامی و مخالفت با مساجد، قبرستان مسلمانان و مدارس در آمریکا (مرکز نیوآمریکان، ۲۰۱۸)

آمارها نشان می‌دهد که بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ بیشترین حملات علیه مساجد و مخالفت با مساجد مسلمانان صورت گرفته و در هر ماه به‌طور ثابت این قبیل حملات علیه مساجد مسلمانان وجود دارد.

1. Southern Poverty Law Center
2. New america

نقض حقوق شهروندی مسلمانان

یکی از مواردی که باعث شده است که دولت آمریکا حقوق مهاجرین را نقض نماید، حادثه ۱۱ سپتامبر است. در این ارتباط اتحادیه آزادی‌های اجتماعی نیویورک می‌نویسد: «حکومت بعد از این حادثه شروع به بازداشت خودسرانه و بازجویی از صدها و احتمالاً هزاران نفر از مهاجرین کشورهای مسلمان، عرب و کشورهای جنوب آسیا بدون هیچ‌گونه مدرکی دال بر شرکت در فعالیت‌های تروریستی نموده است. بسیاری از آن‌ها برای ماه‌ها در بازداشت به سر می‌بردند. تعدادی مورد شکنجه‌های روحی و فیزیکی قرار می‌گیرند و بسیاری نیز تبعید می‌شوند» (اتحادیه آزادی‌های مدنی نیویورک، ۲۰۱۴: ۳). برای نزدیک به دو دهه، و در طول سه دوره ریاست جمهوری، دولت فدرال ایالات متحده و دولت‌های ایالتی با نهادینه کردن سیستماتیک اقدامات فدرال و قوانین ایالتی که تبعیض علیه مسلمانان و سایر مسلمانان است، آزادی‌های شهروندان و ساکنان قانونی خود را نقض کرده‌اند. سال ۲۰۱۰، ۲۲۳ لایحه ضدشریعت در مجالس ایالتی در سراسر ایالات متحده ارائه شده است از میان موارد معرفی شده، ۲۰ لایحه در ۱۳ ایالت به تصویب رسیده است. این لوایح موانع قانونی را تحمیل می‌کنند که به‌طور خاص به دنبال جلوگیری از مشارکت کامل و آزادانه مسلمانان با دین خود است و از تفاسیر اسلامی در دادگاه‌های ایالتی ایالات متحده بر اساس قانون زندگی اخلاقی و دینی مسلمانان ممانعت به عمل می‌آورند و حقوق مردم مسلمان را در این دادگاه‌ها نقض می‌کند (مؤسسه دیگری بودن و تعلق^۱ داشتن، ۲۰۱۹: ۱). این قوانین باعث می‌شود که برای مسلمانان در دادگاه‌ها برای اختلافات حقوقی و دینی خود، بر اساس شرع اسلامی تصمیم‌گیری نشود.

از سویی دیگر، شورای روابط آمریکایی-اسلامی بنا به گزارش خود، ۲۱ تا ۲۳ دسامبر ۲۰۱۵، حدود ۱۵۰ کارمند مسلمان آمریکایی هنگامی که با انتخاب ترک مذهب خود برای کار مواجه شدند، از کار اخراج شدند.

1. Othering & Belonging Institute:

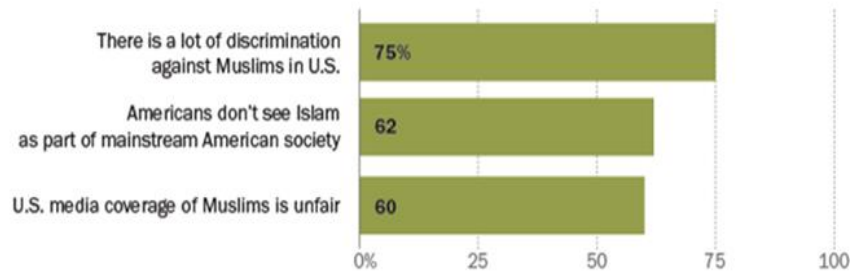
مؤسسه Othering & Belonging در UC Berkeley محققان، سازمان‌دهندگان، ذینفعان، ارتباط‌دهنده‌ها و سیاست‌گذاران را گرد هم می‌آورد تا موانع موجود بر سر راه یک جامعه فراگیر، عادلانه و پایدار را شناسایی و از بین ببرد تا تغییری دگرگون‌کننده ایجاد کند. به گفته این مؤسسه: «ما یک مرکز متنوع و پرجنب‌وجوش هستیم که بر روی تحقق جهانی که همه مردم به آن تعلق دارند، متمرکز شده‌ایم، جایی که تعلق مستلزم احترام به سطحی است که شامل حق مشارکت و درخواست از جامعه و نهادهای سیاسی و فرهنگی است. مؤسسه Othering & Belonging به مسائلی پاسخ می‌دهد که هم نیاز به اقدام فوری و هم استراتژی بلندمدت دارند. مؤسسه درگیر ارتباطات نوآورانه، هنر و استراتژی فرهنگی، و کار روایت استراتژیک است که تلاش می‌کند گفتمان عمومی را از یک روایت غالب کنترل و ترس به سمت روایتی که انسانیت همه مردم را به رسمیت می‌شناسد، به زمین اهمیت می‌دهد و تجلیل می‌کند، چارچوب‌بندی کند».

هنگامی که این کارمندان از اتحادیه خود درخواست کمک کردند، با دشمنی و امتناع از کمک مواجه شدند (شورای روابط آمریکایی-اسلامی). این نقض حقوق شهروندان مسلمان در دوران ترامپ افزایش یافته و قوانین جدیدی برای نقض حقوق مسلمانان در آمریکا به تدریج در حال افزایش است.

اسلام‌ستیزی رسانه‌ای

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این کشور تجزیه شده دیگر تهدیدی برای ایالات متحده نبود. رسانه‌ها در ایالات متحده به شدت به یک موضوع جدید برای گزارش‌های خود نیاز داشتند، بنابراین مجبور شدند دشمن جدیدی ایجاد کنند؛ بنابراین، اکثر رسانه‌های بزرگ گزارش‌های خبری خود را مبنی بر اینکه «روس‌ها می‌آیند» با «مسلمانان می‌آیند» و «شریعت می‌آید» جایگزین کردند. آن‌ها اسلام را دشمن جدید خود قرار دادند و تصاویر مسلمانان در رسانه‌ها آن‌ها را تروریست معرفی کردند (رحمتی، ۲۰۱۵: ۵). پخش خصومت علیه مسلمانان در آمریکا به یک رسانه جناح راست خوب توسعه یافته بستگی دارد تا صداهای حاشیه‌ای را تقویت کند. کارشناسان اطلاعات نادرست اندیشکده و سازمان‌های مردمی و راست مذهبی دارای رابطه همزیستی با گروهی از وبلاگ‌ها، مجلات، ایستگاه‌های رادیویی، روزنامه‌ها و برنامه‌های خبری تلویزیونی جناح راست هستند که از نظر ایدئولوژیک همسو هستند تا پیام‌ها و افسانه‌های ضداسلامی خود را منتشر کنند (مرکز پیشرفت آمریکا، ۲۰۱۱: ۸۵).

محیط رسانه‌ای در ایالات متحده یک ساختار فرصت‌کلیدی در سمت عرضه برای نیروهای ضداسلامی در حفظ حضور و نفوذ پایدار بر فرآیندهای تصمیم‌گیری و نهادها در سطوح مختلف حکومت است. نه تنها از رسانه‌های اجتماعی و محیط اینترنت (مثل اروپای غربی) برای برقراری ارتباط، شبکه‌سازی و رشد پایگاه‌های پشتیبانی در شبکه ضداسلامی آمریکا استفاده شده، بلکه این محیط رسانه‌ای جدید با موفقیت بیشتری با تعدادی از جریان‌های اصلی محافظه‌کار ادغام شده است. رسانه‌ها از جمله برنامه‌های گفتگوی رادیویی، روزنامه‌ها، مجلات و اخبار آنلاین و سایت‌های وبلاگ، برای تبلیغ و گسترش احساسات ضداسلامی استفاده می‌شوند (مارینوف و استوکمر، ۲۰۲۰: ۱۷). اکثریت‌ها مسلمان در مورد رسانه‌ها می‌گویند که گروه مذهبی آن‌ها در ایالات متحده با تبعیض‌های زیادی مواجه است و رسانه‌ها نسبت به مسلمانان ناعادلانه هستند (دیامانت، ۲۰۱۷). ۷۵٪ درصد می‌گویند که در جامعه آمریکا تبعیض زیادی وجود دارد و ۶۲٪ درصد آمریکایی‌ها، اسلام را به‌عنوان بخشی از جریان اصلی جامعه آمریکا نمی‌دانند و حدود ۶۰٪ درصد معتقدند که همکاری رسانه‌ای آمریکا با مسلمانان ناعادلانه است.

U.S. Muslims say they face discrimination*% of U.S. Muslims who say ...*

Source: Survey conducted Jan. 23-May 2, 2017.

"U.S. Muslims Concerned About Their Place in Society, but Continue to Believe in the American Dream"

PEW RESEARCH CENTER

نمودار ۷. اسلام‌ستیزی رسانه‌ها (مرکز تحقیقات دیپلمانت و پیو، ۲۰۱۷)

از رویداد ۱۱ سپتامبر برای توجیه تبدیل اسلام و مسلمانان به دشمن جدید هم در رسانه و هم در سیاست استفاده می‌شود. پس از ۱۱ سپتامبر، بیشتر تمرکز رسانه‌های جریان اصلی در مورد اسلام و مسلمانان منفی بوده است. علاوه بر اخبار، درام‌های تلویزیونی متعددی عرب‌ها و مسلمانان آمریکایی را به گونه‌ای به تصویر می‌کشند که کلیشه‌های منفی را تقویت می‌کنند. پس از ۱۱ سپتامبر، رسانه‌ها، اعراب و مسلمانان آمریکایی را با دشمن مرتبط می‌دانند (رحمتی، ۲۰۱۵: ۶-۷).

سوفیا آرجان^۱ آنچه را «تخیل غرب از اسلام» می‌خواند، از مسلمانان هیولایی قرون وسطی اروپا تا تبدیل آن‌ها به فیلم‌های زامبی پس از ۱۱ سپتامبر می‌توان ردیابی کرد. درحالی که مک آلیستر^۲ تاریخ فرهنگی دقیقی از خاورمیانه را در تخیل آمریکایی ارائه کرد، و از نظر وی، بسیاری از کارها در مورد اسلام‌هراسی به‌طور خاص بر پوشش رسانه‌ای و سایر تولیدات فرهنگی مانند فیلم و تلویزیون متمرکز شده است. گوتشالک و گرینبرگ^۳ حضور رسانه‌ای مسلمانان را به‌عنوان تداوم‌دهنده خشونت، ظاهراً به نام اسلام به این فرض مرتبط می‌دانند که همه مسلمانان با انگیزه‌های ذاتاً مذهبی عمل می‌کنند و اسلام خطرناک است. این مسئله نقش بسیار مهمی در متقاعد کردن جامعه جهانی در موضوع برخورد اجتناب‌ناپذیر و همه‌گیر تمدن‌ها دارد (فودی، ۲۰۱۸: ۴-۵).

1. Sophia Arjan

2. McAlister

3. Gottschalk and Greenberg

از سوی دیگر، تعدادی از افراد در صنعت اسلام‌هراسی بر بحث‌های کاتولیک آمریکایی در مورد اسلام تأثیر گذاشته‌اند. در برخی موارد، ناشران کاتولیک، خبرگزاری‌ها و شخصیت‌های برجسته دیدگاه‌های خود را تبلیغ کرده‌اند. کارن نویسنده رابرت اسپنسر^۱ که رهبری سازمانی را بر عهده دارد که توسط «مرکز حقوقی فقر در جنوب»^۲ به‌عنوان یک گروه نفرت‌ضد مسلمانان معرفی شده است، به‌طور گسترده در رسانه‌های کاتولیک و سکولار در سراسر ایالات متحده این جریان ضداسلامی بازنمایی و پخش شده است. اسپنسر در گزارش‌های اسلام‌هراسی مرکز پیشرفت آمریکا به‌عنوان «کارشناس اطلاعات غلط» نامیده می‌شود، اغلب در شبکه‌های تلویزیونی ملی ظاهر می‌شود. او با انتشار آثارش در ده‌ها نشریه سکولار مهم، برای بسیاری از رسانه‌های کاتولیک آمریکایی گزارش‌هایی نوشته است و در مکان‌های کاتولیک ظاهر شده است (دافنر، ۲۰۱۶: ۸۶-۹۷). نومحافظه‌کاری که یکی از شاخه‌های راست نو می‌باشد لذا در این راستا، بیشتر رسانه‌های اسلام‌هراس دارای رویکرد راست نو یا راست مذهبی هستند و با نومحافظه‌کاران بیشتر قرابت و منافع مشترک دارند.

نتیجه‌گیری

هسته مرکزی تفکر محافظه‌کاری اعتقاد به نابرابری انسان‌ها است و اینکه اقلیتی باید نقش هدایت جامعه را بر عهده داشته باشند و اکثریت از نبوغ این اقلیت برخوردار شود. لذا مسلمانان در این جهان‌بینی برابر با نخبگان سیاسی و اقتصادی آمریکا نیستند. این نابرابری برای آنان تولید نارضایتی و حس تبعیض علیه خود را در پی دارد. چراکه مسلمانان از تبعیضی که بین آن‌ها و یهودیان وجود دارد نگران‌اند. به بیان عمیق‌تر، مسلمانان و یهودیان دارای وضع نامساعد فرهنگی یکسان در آمریکا هستند، لیکن در اقتصاد و سیاست از موقعیت یکسانی برخوردار نیستند. مهم‌ترین نتیجه تلاش مسلمان برای برابری، مقابله نخبگان فکری، سیاسی و اقتصادی ایالات متحده علیه مسلمانان است و اصلی‌ترین نتیجه آن ایجاد زمینه‌های نابرابری به‌واسطه اسلام‌هراسی است. نومحافظه‌کاران دیدگاه ساموئل هانتینگتون مبنی بر اینکه تقابل بین اسلام و مسیحیت دائمی و همیشگی است را پذیرفتند و چهره ضداسلامی خود را در سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده به نمایش گذاشته‌اند.

از سویی دیگر، وجود انواع سازمان‌ها، شبکه‌ها، رسانه‌ها، نهادها و بازیگران متعدد در آمریکا نشان می‌دهد که اسلام‌هراسی برای این گروه‌ها به حرفه و صنعت تبدیل شده است. این نهادها و شبکه‌ها بیش از هر چیز از طرف طیف وسیعی از گروه‌های دست راستی، (صهیونیست‌ها و محافظه‌کاران دینی که در قرابت و همسو با نومحافظه‌کاران هستند) حمایت می‌شوند. این شبکه‌ها، نهادها و رسانه‌های اسلام‌هراس در دوران یازده سپتامبر

1. Robert Spencer

2. Southern Poverty Law Center

و هم‌زمان با روی کار آمدن نومحافظه‌کاران در کابینه بوش پسر رشد و گسترش بیشتری یافتند و بعد اتمام ریاست جمهوری بوش، این ساختار اسلام‌هراسی با نومحافظه‌کاران نهادینه شد و در دوران اوباما نیز ادامه یافت. با شروع ریاست جمهوری ترامپ حملات و تبعیض‌ها نسبت به مسلمانان افزایش یافت و نظرسنجی و آمارها در دوران ترامپ نشان می‌دهد که حزب جمهوری‌خواه نسبت به تبعیض علیه مسلمانان بی‌تفاوت هستند که نشان از آن دارد که جمهوری خواهان تحت تأثیر نهاد و شبکه‌های اسلام‌هراس دست راستی و نومحافظه‌کاران قرار دارند. از سویی دیگر، نهادها و سازمان‌هایی در آمریکا برای مقابله با اسلام‌هراسی به وجود آمده که نقش مهمی در مثبت جلوه دادن اسلام و مسلمانان در جامعه آمریکا دارند. این نهادها عبارت‌اند از:

۱. موسسه سیاست اجتماعی و تفاهم؛
۲. موسسه مرکز کارتر؛
۳. شورای روابط اسلامی و آمریکایی؛
۴. مرکز پیشرفت آمریکا.

این نهادها مشکلات مسلمانان و اسلام در جامعه آمریکا را بیان می‌کنند و سعی در کاهش و کنترل دیدگاه‌های اسلام‌هراسی در آمریکا را دارند. اگر تعداد این مراکز و نهادها در آمریکا افزایش یابد می‌توان ساختار نومحافظه‌کاری اسلام‌هراسی را تضعیف کرد و از بین برد.

منابع

فارسی

- آجلیلی، هادی؛ قاسمی، روح‌الله (۱۳۹۴)، «اتاق‌های فکر ایالات متحده و انگلستان در ترویج راهبرد اسلام‌هراسی (رویکرد تحلیل گفتمان)»، مطالعات راهبردی بسیج، سال ۱۸، شماره ۶۶، صص ۱۲۵-۱۵۵.
- امینیان، مهدی (۱۳۹۸)، «بخش فرهنگ»، ماهنامه تحلیلی مطالعات آمریکا، اندیشکده مطالعات آمریکا: پژوهشکده شهید صدر دانشگاه جامع امام حسین (ع)، پیش‌شماره ۱، صص ۱-۶۷.
- بال، ترنس و ریچارد، دگر (۱۳۸۶)، ایدئولوژی‌های سیاسی و آرمان دموکراتیک، ترجمه: احمد صبوری، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
- بشیری، حسین، (۱۳۷۸)، لیبرالیسم و محافظه‌کاری: تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم، جلد دوم، تهران: نشر نی.
- پولادی، کمال (۱۳۸۳)، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، تهران: نشر مرکز.

درفیوس، رابرت (۲۰۰۷)، *بازی شیطان: پروژه امپراطوری آمریکا*، جلد دوم، مترجم و ناشر: فریدون گیلانی، ترجمه شده از متن انگلیسی: Metropolitan Books / Henry Holt and Company LLC, www.henryholt.com, مرکز پخش: Forough Book / Jahn Str. 24 / 50676 Köln، دهشیری، محمد رضا (۱۳۹۲)، *اسلام‌هراسی در غرب: جنگ سرد جدید فرهنگی علیه مسلمانان در آمریکا و انگلستان*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۸۹)، *قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

عباسی اشلقی، مجید (۱۳۹۱)، *بررسی اسناد استراتژی امنیت ملی ایالات متحده در دولت بوش پسر*، از کتاب *آمریکا: بخش ویژه بررسی اسناد استراتژی امنیت ملی آمریکا پس از جنگ سرد*، ترجمه عباس کاردان، تهران: ابرار معاصر.

غفوری، محمود و داوند، محمد (۱۳۹۵)، «ارزیابی وضعیت حقوق بشر در نظام نومحافظه‌کاری (مطالعه موردی: ایالات متحده آمریکا)»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۶، شماره ۲، صص ۳۸۲-۳۶۳.

قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۹)، «یازده سپتامبر و گسترش پدیده اسلام‌هراسی در غرب»، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال ۱، شماره ۲، صص ۱۲۲-۱۰۳.

موسی‌نژاد، محمدجواد و حسین‌پور، نادر (۱۳۸۷)، «اثر اندیشه‌های لئو اشتراوس بر نومحافظه‌کاری و نمودهای آن در سیاست خارجی آمریکا»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۲۵۰، صص ۵۱-۳۶.

هیوود، اندرو (۱۳۸۹)، *سیاست*، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران: نشر نی.

لاتین

- Abedi, hoda (2018), "Works to Understand and Counter the Rise of Islamophobia", at *book Carter center*, One Copenhill 453 Freedom Parkway, Atlanta, pp 5-7.
- Abdulhadi, Rabab Ibrahim (2018), "The Islamophobia and Israel Lobby industries: Overlapping Interconnection and Anti-Racist Policy Recommendation", at *book crter center*, One Copenhill 453 Freedom Parkway, Atlanta, pp 14-22.
- Beirich, Heidi (2018), "Anti-Muslim Hate Groups: A Primer", at *book carter center*, One Copenhill 453 Freedom Parkway, Atlanta, pp 8-13.
- Beydoun, Khaled A (2021), *Islamophobia: Toward a Legal Definition and Framework*. Columbia Law Review Online, vol.116, Access Date: December: <https://columbia.lawreview.org/content/islamophobia-toward-a-legal-definition-and-framework>.
- Cair (2014), A Project of the Council on American-Islamic Relations: MONITORING AND COMBATING ISLAMOPHOBIA: ISLAMOPHOBIC INDIVIDUALS: Brigitte Gabriel. Access Date: <https://islamophobia.org/islamophobic-individuals/brigitte-gabriel-aka-hanah-kahwagi-tudor/>.
- Cair (2021) protecting your right to work, free from discrimination. Access Date: December 4 : https://www.cair.com/success_stories/protecting-your-right-to-work-free-from-discrimination.
- Center American progress (2011), *Fear, Inc: The Roots of the Islamophobia Network in America*, Access Date: December: <https://www.americanprogressaction.org/?s=Fear%2C+Inc%3A>.
- Carter center(2018), *Countering the Islamophobia Industry Toward More Effective Strategies*, One Copenhill 453 Freedom Parkway Atlanta, GA 30307(404) 420-5100, www.cartercenter.org.
- Diamant, Geff (2017), American Muslims are concerned – but also satisfied with their lives, Pewresearcher, Access Date: December: <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2017/07/26/american-muslims-are-concerned-but-also-satisfied-with-their-lives/>.

- Douglas; Pratt, Rachel Woodlock, (2016), *Boundaries of Religious Freedom: Regulating Religion in Diverse Societies Fear of Muslims? Introduction: Understanding Islamophobia*, Switzerland, Springer International Publishing.
- Duffner, Jordan Denari (2016), *Danger and Dialogue: American Catholic Public Opinion and Portrayals of Islam*. Prince Alwaleed Bin Talal Center for Muslim-Christian, Understanding Georgetown University.
- Douglas; Pratt, Rachel Woodlock, (2016), *Boundaries of Religious Freedom: Regulating Religion in Diverse Societies Fear of Muslims? Introduction: Understanding Islamophobia*, Switzerland.: © Springer International Publishing.
- Encyclopaedia Britannica (2016), Neo-conservatism. Publisher: Encyclopaedia Britanica, political philosophy, Access Date: November: <https://www.britannica.com/topic/neoconservatism>.
- Foody, Kathleen M (2018), "Muslims in the American Media: From Texts to Affects", *Journal of Islamic Studies*, Published by Oxford University Press., pp 1-23.
- Griffin, Tom; Aked, Hilary; Miller, David and Marusek, Sarah (2020), *The Henry Jackson Society and the degeneration of British neoconservatism: Liberal interventionism, Islamophobia and the 'War on Terror'*, Department of Social & Policy Sciences Centre for Analysis of Social Policy (CASP), Publisher University of Bath.
- Huntington, Samuel, (1996), *The Clash of Civilizations and Remaking of World Order*, HARVARD UNIVERSITY: PRINTED IN THE U.S.A. COPYRIGHT 1996 SIMON & SCHUSTER.
- Kumar, Deppa (2021), The New McCarthyites: The Right-wing Islamophobia Network and Their Liberal Enablers, verso books, Access Date: <https://www.versobooks.com/blogs/5151-the-new-mccarthyites-the-right-wing-islamophobia-network-and-their-liberal-enablers>.
- Lipca, Michael (2017), Muslims and Islam: Key findings in the U.S. and around the world. Pew researcher, Access Date: December: <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2017/08/09/muslims-and-islam-key-findings-in-the-u-s-and-around-the-world/>.
- Marinov, Robert and Stockemer, Daniel (2020), "The Spread of Anti-Islamic Sentiment: A Comparison between the United States and Western Europe", *Politics & Policy*, V 48, Issue 3, pp1-40.
- Masci, David (2019), Many Americans see religious discrimination in U.S. – especially against Muslims. Pew researcher, Access Date: <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2019/05/17/many-americans-see-religious-discrimination-in-u-s-especially-against-muslims>.
- McGlinchey, Stephen (2019), Neo-conservatism and American Foreign Policy, International Relations, Access Dat: <https://www.e-ir.info/2009/06/01/neo-conservatism-and-american-foreign-policy/>
- New America (2018), Anti-Muslim Activities in the United States 2012-2018: Violence, Threats, and Discrimination at the Local Level, Access Date: January: <https://www.newamerica.org/in-depth/anti-muslim-activity>.
- New York Civil Liberties Union (2014), Immigrants' Rights Are Human Rights: Universal Guarantees of Rights to All People, Access Date: December: <http://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&s>.
- Nortey, Justin (2020), More Americans say Trump administration has helped evangelicals than other groups, Pew researcher center, Access Date: <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2020/05/11/more-americans-say-trump-administration-has-helped-evangelicals-than-other-groups/>.
- Southern Poverty Law Center, 2021. Islamophobia has a presence within the Council for National Policy, a secretive and influential right-wing coalition, according to leaked documents reviewed by Hatewatch. Access Date: December 4, 2021: <https://www.splcenter.org/hatewatch/2021/05/27/shadowy-right-wing-strategy-group-embraces-islamophobic-figures-policies-presents-challenge>.

World factbook,2021. United States North America. Access Date: December 4, 2021:
<https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/united-states/>



The Impact of the Neoconservative Structure on American Muslims and Islamophobia

Mohsen Islami*

Mohamed Davand**

Mohammad Karampouri***

ABSTRACT

Most Muslims in the United States suffer from discrimination and injustice in society and the political system of this country and consider it as a phenomenon of Islamophobia. Islamophobia against Muslims in the United States is a structural phenomenon based on ideological and institutional teachings. So in this article, we will try to answer the questions: How have anti-Islamic structures and institutions in the United States been influenced by neoconservative thinking? And how do Islamophobic ideologies fuel the spread of Islamophobia in this country? And what are the consequences of this anti-Islamic vision at the level of the American political system against American Muslims? After analyzing the situation of Muslims in the United States, we believe that the main ideological doctrine of discrimination against Muslims and other minorities in the United States is the neoconservative cultural, political, social, and economic system. The main fruit of this system is the production of inequality. Therefore, within this system, equality of Muslims with political elites and capitalists is difficult, and the main function of the political system is to maintain this inequality. That is why anti-Islamic capitalist institutions and structures have spread Islamophobia by funding the political system, one of the most important consequences of which is to create bottlenecks in the social, legal and religious life of Muslims in the United States. The theoretical framework of this paper is based on thought neoconservatism and the research method has a descriptive and analytical approach and the method of data collection is based on the library and reliable internet resources.

Keywords: Muslims, USA, Islamophobia, Neoconservatism Inequality.

* Corresponding author: Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Humanities, Tarbiat University, Tehran, Iran
Eslami.m@modares.ac.ir

** Assistant Professor, Department of Islamic Education, Unit of Shahid Qasem Soleimani, (Kerman)Islamic Azad University, Kerman, Iran
Davand@iauk.ac.ir

*** University of Political Science (Political Thought), Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
Mohammadkaram007@gmail.com